



آموزش خلاق کودک محور

نقش بازی عروسکی در شخصیت کودکان

جست و جو و آماده سازی:

مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان



مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان





نقش بازی عروسکی در شخصیت کودکان و مقایسه این فرایند در کودکان ایرانی و ژاپنی

«بازی» یک فعالیت طبیعی، لذت‌بخش و دلخواه برای کودکان می‌باشد. ولی با تأسف، بزرگ‌ترها این حقیقت را جدی تلقی نمی‌کنند. در صورتی که با بازی هدف‌دار و منطقی می‌توان روابطی صمیمی، گرم و عمیق را با کودکان برقرار کرد و در جهت رشد و تربیت آنان گام برداشت. گام‌هایی که از دریچه لطافت بازی شروع شده و به دنیای خیال و رویاها و ابعاد احساسی، عاطفی و شناختی کودکان خاتمه می‌یابد. به‌همین دلیل پرداختن به بازی خصوصاً بازی‌های عروسکی، بررسی نزدیک‌ترین زاویه شخصیت کودکی می‌باشد، بی‌اعتنائی به این پدیده، نادیده‌گرفتن بسیاری از جلوه‌های روحی و روانی شخصیت کودک خواهد بود.

علاوه بر اینکه بازی، فرآیند یادگیری را برای یادگیرنده یعنی کودک و نوجوان شیرین می‌کند، موجب ارضاء بسیاری از نیازهای اساسی و زیربنائی کودک نیز می‌شوند.

● نیاز به تخلیه انرژی و بازتوانی

کودک پربار و غنی از انرژی بوده و نیاز دارد که این انرژی‌ها را به‌شکلی از خود بروز دهد. وقتی در اطراف کودک زمینه‌های مثبت و منطقی جهت تخلیه انرژی وجود نداشته باشد، این انرژی‌ها باعث بی‌قراری و پرکاری ناسالم کودک می‌گردد.

وجود کودک مثل یک ژنراتور فعال و پرکار، شروع به بازتوانی زایش مجدد انرژی می‌نماید. استفاده مثبت از انرژی‌ها، موجب افزایش اعتماد به‌نفس و تقویت اراده کودک می‌گردد. اگر عروسک‌بازی و بازی عروسکی به‌شکلی مناسب، باعث تخلیه انرژی‌های کودک گردد، نه تنها آرامش روحی او را افزایش می‌دهد بلکه باعث پویائی رفتار کودک نیز می‌گردد. اگر این انرژی مشمول سانسور والدین و یا مدرسه قرار گیرد، کودک انرژی خود را به عمیق‌ترین ذخایر خود واپس می‌زند و آن را احتمالاً تبدیل به اضطراب می‌سازد. به‌علاوه کودک، اضطراب‌های خود را با عصبانیت، فریاد، اشک‌ریختن، شکستن اشیاء و... نشان می‌دهد و این فشارهای غیرقابل تحمل در کودک، ناراحتی‌هایی به‌صورت آثار جسمی نظیر ادرار شبانه، کهیر، اگزما و... را ظاهر می‌سازد.

● تفاوت منحصر به‌فرد عروسک در میان اسباب‌بازی‌ها

کودک می‌تواند در بازی عروسکی، انگیزه‌هایش را متعادل کند و انرژی‌های اضافی و روانی خود را تخلیه کند. کودک آن‌چنان به عروسکش اعتماد دارد و خودش را مثل او می‌بیند که کلیه احساسات و عواطفش را به



عروسک فرافکن می‌کند و نسبت می‌دهد. این حالت نه تنها باعث تخلیه روانی شده بلکه درک و فهم بهتری از او را باعث می‌گردد.

حال اگر والدین می‌خواهند کودک آنها خودپنداره و درک خوبی از خود داشته باشد، می‌بایستی بازی کودکان را و خصوصاً بازی‌های عروسکی آنها را جدی بگیرید.

پس عروسک‌ها و بازی‌های عروسکی به کودک این اجازه را می‌دهد تا بدون واژه از بزرگ‌ترها، خودش یک آدم بزرگ شود و یک‌سری مسائل را از روی کنجکاوی تجربه کند. در این فضا، کودک مالک زمان و مکان و شخص می‌شود و همین تملک به او اجازه می‌دهد تا هر پوشش را از روی پدیده‌ها کنار بزند و به آن‌سوی پدیده‌ها نگاه کند.

اکثر اوقات، کودکان به تنهایی عروسک‌بازی می‌کنند چرا که والدین عروسک را برای او خریده‌اند که دیگر کاری به کارشان نداشته باشد. در درجه دوم اگر با آنها هم بازی کنند، بزرگ‌ترها خواسته‌های خودشان را به خواسته‌های کودکانشان تحمیل می‌کنند؛ یعنی مثلاً اگر او به عروسکش می‌گوید تو دختر خوبی هستی و یا هر احساسی را که دلش می‌خواهد، سریعاً می‌شنود که «نه نه دخترم! عروسک خانم این کار را نمی‌کند، عروسک خانم اون کار را نمی‌کند. آره عزیزم، عروسک هر چی بهش می‌گی کاملاً گوش می‌دهد. آخه او مثل بچه‌های بد نیست». فکر می‌کنید این دخالت بی‌خودی چه بلایی سر روابط عروسک با کودک می‌آورد. واضح و روشن است که کودک عروسکش را از خودش طرد می‌کند و نیازهایش، در این ارتباط ناکام می‌گردد و دیگر عروسکش را دوست نخواهد داشت. ولی اگر مشارکت مثبت و بدون شرط والدین وجود داشته باشد کودک می‌تواند نیازهای خود را با خوشحالی و مسرت در روابطش با عروسک، برآورده کند.

نیازهای دیگری نیز برای کودک وجود دارد که در ارتباط با عروسک می‌توانند برآورده و ارضا شوند، از قبیل نیاز به پیشرفت و کسب موفقیت، نیاز به رهبری و اداره کردن، نیاز به امنیت، نیاز به آزادی و کودک آزاد است. کودک درون ما هم میل دارد آزادانه ابراز وجود نماید، گریه کند و به زندگی مشغول باشد. بزرگسالانی که در بازی کودکان شرکت می‌کنند تنها به فرزند خود محبت نکرده‌اند، بلکه در جهت آرام‌سازی خود نیز کوشش و تلاش نموده‌اند و در صورتی که بزرگسالی براساس کودک شخصیت خود، با فرزندش رفتار نماید نتایج مفیدتر و مؤثرتری را خواهد گرفت. در این باره حالت یک بزرگسال در وقت بازی مثل رسیدن آب به جان زمینی تشنه است ما باید ارتباطی منطقی، نزدیک‌تر و صمیمی‌تر با فرزندمان برقرار نماییم.

والدینی که کودک درون خود را انکار می‌کنند، کمتر می‌توانند کودک بیرون خود را بفهمند. به‌همین دلیل، چنین والدینی وقتی با کودکان خود مشغول بازی هستند رفتاری کاملاً مصنوعی دارند. مسئله این است، کسی که می‌خواهد با کودک خود صمیمی برخورد کند لازم نیست سبک و لوده باشد بلکه سادگی را به‌عنوان روشی



در جهت قابل فهم کردن خود برای کودک خواهد داشت و یا کودک ساده و قابل فهم رفتار می کند. پس کودک درون اگر سالم باشد بهتر است ارتباط برقرار کنیم و اگر کودک بیرون ما یا همان فرزندمان از ما راضی باشد درون ما نیز نسبت به خودمان راضی خواهد بود. بی احترامی به عروسک بی احترامی به کودک است چرا که کودکان عروسک را قسمتی از شخصیت خود می داند.

عروسک های مناسب کودکان، عروسک های بومی با محتویات خودی هستند، نه عروسک های که سمبل فرهنگ غیر خودی است...

● ژاپن بهشت کودکان

اگر ژاپن امروز در دنیا به عنوان بهشت کودکان است به این علت می باشد که بزرگسالان ژاپنی، «کودک» شخصیتی آنان نهفته است. اگر کشورهای دیگر چنین نیستند، دلیل بر بلوغ ارزشی و تفکری آن کشورها نمی باشد، بلکه نشانه ای از انکار و نادیده گرفتن قسمتی از شخصیت خودشان است. در نتیجه، موجب اختلالاتی عمیق و گسترده در کلیه جوانب شخصیت شان می شوند. پس ژاپنی ها با درک معقولی که از کودک شخصیت داشته اند حتی به خود اجازه می دهند به بازی پرداخته، هیجانان خود را بروز دهند و افسانه سرانی زیباشناسانه ای داشته باشند. این هیجان دار بودن بازی های کودکان ژاپن، علاوه بر هیجانی می باشد که هر کودکی به صورت خود به خودی در بازی خود حس می کند و این هیجان اضافی و لذت بخش به علت مشارکت هیجان آمیز بزرگ ترهای ژاپنی در بازی های کودکان است.

به نظر می رسد که انگیزه مشارکت و هم آوایی والدین با کودکان در بازی، در مردم ژاپن بسیار قوی تر باشد. همین قوی بودن انگیزه مشارکت والدین ژاپنی باعث می شود که در آن کشور، کودکان بازی خود را شیرین تر تصور و تجربه کنند. حتی این انگیزه تا جایی پیش می رود و قدرت خود را نشان می دهد که جشن ملی خاصی به شناسایی و مشارکت در این رویداد و پدیده اجتماعی اختصاص می یابد. حساسیت اجتماعی به بازی های کودکان تا جایی به چشم می خورد که میزان فراموشی و منسوخ شدن بازی ها در فرهنگ ژاپن، بسیار کمتر از فرهنگ ایران است. حتی بازی ها در آن کشور گسترده تر می شود. مثلاً بادبادک بازی را هم در ژاپن داشته ایم و هم در کشور ایران. این بازی در دو دهه پیش در آن کشور تا چه حدی پرورش پیدا کرده و گسترده شده ولی در کشور ایران منسوخ شده است. شاید فرد ساده عامیانه ای، این افول و منسوخ شدن یک بازی را جدی نگیرد ولی افراد صاحب ذوق و صاحب خرد به خوبی می دانند که چنین پدیده ای چقدر خطرناک و آسیب زائی است. خصوصاً اگر توجه شود که کودکان از طریق بازی ها می آموزند که در چه فرهنگی زندگی می کنند و چگونه بایستی هنجارهای آن فرهنگ را نگهداری کنند.

وقتی کودک ژاپنی می بیند که در کشورش روز مخصوصی به نام عید عروسک ها وجود دارد، بیمارستان



مخصوص عروسک‌ها هست و عروسک‌ها گورستان‌های مخصوصی که در آن دفن شوند را دارا می‌باشند، از نظر ادراکی در می‌یابد که عروسک در ذهن بزرگ‌ترها به صورت منطقی و قابل توجهی محترم و ارزشمند می‌باشد. هنگامی که او در می‌یابد، فرهنگ و جامعه او عروسک‌ها را تا این حد مهم می‌دانند، عروسک‌ها هم برای او مهم می‌شود. پس با عروسک، بازی می‌کند نه اینکه عروسک را به هر صورتی که می‌خواهد بزند، پرت کند، پاره کند و یا مورد پرخاشگری، بی‌احترامی و آزار و اذیت قرار دهد. چرا که هر حرکت نامناسب و ناهنجار این کودک با عروسک، به‌عنوان کاریکاتور انسان، بعدها و در مراحل بعدی رشد شخصیتی او زمینه را برای برخورد کردن با انسان‌ها فراهم می‌کند و پرخاشگری و بی‌احترامی او تعمیم پیدا می‌کند.

بخش‌هایی از دنیای عروسک‌های ژاپنی مشتمل‌اند بر:

۱. بیمارستان‌هایی برای عروسک‌ها که معمولاً بیماران زیادی دارد (رشد مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های اجتماعی کودک)

۲. هر کودکی، هزینه بهبود عروسکش را از پول جیبی خود می‌پردازد و به عیادت بیمارش می‌آید (رشد فرآیند اجتماعی و جامعه‌پذیری و آشنائی با مسئولیت‌های آینده)

۳. هنگامی که عروسک‌ها دیگر جای وصله و پینه ندارند، آنها را کنار می‌گذارند تا روز تدفین عمومی عروسک‌ها (افزایش روحیه قدردانی و سپاسگزاری از هر پدیده‌ای که به ما خدمتی انجام داده است)

۴. گور عروسک‌ها دارای لوحه‌ای است که بیش از سی سانتی‌متر بلندی دارد (آشنا شدن کودکانه بچه‌ها با پدیده مرگ به‌عنوان امری اضطراب‌آفرین در دوران کودکی، گرچه بزرگسالان زیادی نیز هستند که از نظر عرفانی ناخواسته از مرگ غفلت می‌کنند)

۵. هر عروسک را مدت یک‌سال طرف راست و سال بعد در طرف چپ آن مدفون می‌کنند و مراسم تشییع جنازه برپا می‌شود (رشد آشنائی کودک با آداب و رسوم جامعه خود نسبت به پدیده مرگ)

در کل، کودک می‌آموزد که در مشارکت‌های اجتماعی شرکت داشته باشد و به پدیده‌های اطراف خود عمیقاً توجه کند و هر پدیده‌ای که برای او زیبایی، راحتی، آسودگی می‌آفریند، چه در نگهداری و چه در سپاسگزاری از آن تلاش کند.

بازی به کودک، کمک می‌کند تا دنیائی را که در آن زندگی می‌کند بشناسد، بفهمد و کنترل کند و میان واقعیت و تخیل فرق بگذارد. کودک هنگام بازی درباره خودش، دیگران و رابطه‌اش با آنها چیز یاد می‌گیرد. او میزان توانائی‌های خود را با دیگران مقایسه می‌کند و به این ترتیب یک مفهوم روشن‌تر و واقع‌گرایانه‌تر از خود به‌دست



می‌آورد. بازی به او فرصت می‌دهد تجربه و توانایی‌های خود را به آزمایش بگذارد، بدون آنکه مجبور باشد مسئولیت کامل اعمال خود را به‌عهده بگیرد؛ کاری که در انجام فعالیت‌های جدی‌تر ناچار به تقبل آن است. بنابراین وقتی کودک در بازی بفهمد که در کجا زندگی می‌کند اگر والدین خود را همراه داشته باشد و مشارکت والدین در بازی با او به‌صورت فعال باشد، در خواهد یافت که در جای خوبی به دلنشینی بهشت، زندگی می‌کند.

شاید برخی از خوانندگان احساس کنند که اهمیت دادن، یعنی خرید عروسک‌های مختلف و رنگارنگ و دارای ارزش اقتصادی بسیار بالا. در حالی که عروسک هر چه گران‌قیمت، زیبا و دارای انواع توانمندی‌های سخن گفتن، گریه کردن و... هم باشد ولی از نظر پدر و مادر پذیرفته نباشد و برای عروسک به‌عنوان عضوی از خانواده وقت صرف نشود و به آن اهمیت داده نشود، برای کودک ارزش روانی و تربیتی چندانی نخواهد داشت. در حقیقت عروسک تنها، وسیله‌ای برای سرگرمی و فرار از تنهایی می‌شود.

● جهت شکوفائی و رشد فرزند دلبندتان:

۱. عروسک و عروسک‌بازی را به‌عنوان یک فرآیند جدی و مهم در زندگی کودک و رشد شخصیت کودک در نظر بگیرید.

۲. کودکان را هنگام بازی عروسکی یا هر بازی دیگری تنها نگذارید.

۳. مشارکت فعال و هیجان‌داری با کودک خود، در هنگام بازی با او داشته باشید.

۴. آرامش و حوصله را اولین ضرورت درک بازی‌های عروسکی کودکان ببینید.

۵. توجه داشته باشید که زندگی برای کودک در بازی معنی و مفهوم می‌گیرد. پس اگر به‌صورت زنده‌ای کودک درگیر بازی شود، به روشنی و خوبی بهتری رشد خواهد کرد و تعالی خواهد یافت.

۶. بازی را فرصتی برای انتقال مفاهیم و الگوهای تربیتی در نظر بگیرید.

اگر هر بزرگ‌تری درک کند که چگونه کودکان آنها از بازی همراه با والدین لذت می‌برند، هیچ‌گاه حاضر نخواهند شد چنین محرومیتی را به آنها تحمیل کنند. عروسک‌های ژاپنی اکثراً لباس سنتی ژاپنی یعنی کیمونو بر تن دارند ولی در کشور ما عروسک‌ها، اکثراً لباس‌های غیرایرانی و اروپائی بر تن دارند، یعنی در حقیقت با حضور یک عروسک کیمونو پوش ژاپنی در اتاق خواب، ذهن، رویاها و همه چیزهایی که کودک در خواب و بیداری به‌صورت هشیار و ناهشیار با خود دارد رنگ و بوی کشور خودش را می‌دهد. ولی کودک ایرانی با عروسک‌های خارجی با انواع لباس‌های غیرایرانی به‌سر می‌برد. در آینده پذیرش و قبول اینکه لباس‌های فرهنگ او از نظر مردم‌شناسی، می‌بایستی به چه صورتی باشد، دچار اشکال می‌گردد.



شاید برخی احساس سختی بکنند نسبت به اینکه چگونه می‌شود با همه دشواری‌های زندگی برای سالم زیستن کودکان، سعی کنیم شادمان با آنان در بازی‌های عروسکی مورد نظرشان شرکت کنیم. در اینجا بایستی بگوئیم که تنها برای سالم‌تر زیستن آنان نیست که سعی می‌کنیم در بازی‌های عروسکی آنان شرکت کنیم، بلکه خود ما هم به شادمانی و شادمان زیستن نیاز داریم و ابتکار برای ما بیشتر مفید و سودمند می‌باشد. در حقیقت عروسک بازی، آزمایشگاهی است که کودک در آن آزمایشگاه با زندگی کردن و داشتن زندگی بهتر آشنا می‌شود. علاوه بر اینکه بزرگترها نیز در این آزمایشگاه انسانی می‌توانند با احساسات، اندیشه‌ها، عواطف و ارزش‌های کودک خود بیشتر آشنا شوند.

کودک از بازی با عروسک‌های لذت می‌برد و با احترامی که ما به عروسک‌هایش می‌گذاریم، اطمینان می‌یابد که دوستش داریم و سپس معتقد می‌شود که عروسک هم قابل ارتباط است و با نقشه و طرح ذهنی جامع‌تری در ارتباط با عروسک و ما گام برداشته و عمل می‌نماید.

کودک ایرانی کمتر از کودک ژاپنی، خودش را مدیون عروسکش می‌داند در حالی که کودک ژاپنی اگر عروسکش خراب شود موظف است از پول جیبی خود عروسکش را تعمیر کند، در حالی که در ایران کودکی که عروسکش را خراب کند نه تنها مجبور نیست عروسک را تعمیر کند بلکه در پاره‌ای اوقات به علت فشارهای روانی آنها، والدین دچار فشار و استرس گردیده و مجبور می‌شوند عروسک‌های تازه‌ای را برای آنها تهیه کنند. پس وظیفه‌شناسی کودک در مقابل عروسک نادیده گرفته می‌شود. کودکی که در مقابل عروسکش، وظیفه‌شناس نباشد در مقابل یک‌سری مسائل بزرگ‌تر نیز وظیفه‌شناس نخواهد بود.

به‌همین دلیل چنین به‌نظر می‌رسد که کودک ژاپنی وقتی می‌بیند بزرگ‌ترها عروسک‌ها و بازی‌های عروسکی را جدی می‌گیرند، نمی‌تواند با بی‌اعتنائی از کنار آنها بگذارد و احساس تکلیف نسبت به آنها می‌کند.

■ یکی از کارکردهای عروسک‌بازی، ایجاد روحیه شاد و فرحبخش در کودک دلبنده است.

■ می‌تواند بازی‌های عروسکی را در جهت تأمین بهداشت روانی کودکان به‌خوبی استفاده کرد.

■ در ژاپن، کودک در بازی عروسکی مستقل و دارای احساس اتکاء به‌نفس می‌باشد و می‌بایستی مشکلات خود و عروسکش را حل کند.

بازی‌های عروسکی ریتمیک و دارای موسیقی هم بهتر است مورد استفاده قرار بگیرد چرا که کودک دارای تخیل موسیقایی و لطیف می‌باشد و اگر ادراک و یا فرآیند آموزش زبان او در چنین شرایط موسیقایی قرار بگیرد، خوب می‌آموزد.



والدین ژاپنی با عروسک‌های فرزندان خود محترمانه، با ادب و همراه آرامش برخورد می‌کنند. بدین ترتیب کودکان ژاپنی خود را جدی می‌بینند و در بزرگسالی با جدیت عمل می‌کنند، چرا که در کودکی جدی گرفته شده‌اند و با جدیت با آنها برخورد شده است.

وقتی کودک مسئولیت عروسکش را می‌پذیرد بایستی که قشنگ‌تر، لطیف‌تر و مهربان‌تر از او هم صحبت کند و همین اصل تربیتی، او را وادار می‌کند که به تکلم و بیان خود حالتی بزرگ‌تر و بالغ‌تر بدهد. همین افزایش اعتماد به نفس او در تکلم عاملی می‌گردد تا او با قدرت بیشتری عروسکش را مخاطب قرار دهد و بتواند بدون احساس نگرانی، ترس و دلهره خود را بیان کرده و شکل پیوسته به فرآیند پردازش کلامی و تولید تکلم خود دهد.

حتماً در نظر داشته باشید که نه به عروسک کودک خود، توهین کنید و نه بگذارید کسی او را به خاطر عروسک‌بازی تمسخر کند.

وقتی کودک در حین ارتباط با عروسک می‌باشد، می‌توانیم از الفاظی مانند آفرین خیلی خوب، چه خوب با عروسکت صحبت می‌کنی، تو چقدر قشنگ برای عروسکت لالائی می‌خوانی، استفاده کنیم یا به او بگوئیم: «از اینکه این قدر خوب با عروسکت صحبت می‌کنی به تو افتخار می‌کنم.» این تقویت‌کننده‌ها علاوه بر تأیید کردن نوع ارتباط کودک با عروسک، به عنوان پاداش کلامی رفتار مثبت کودک با عروسکش موجب می‌گردد که رفتار او استحکام یابد.

برخی بزرگ‌ترها به علت آگاهی و دانش لازم، وقتی کودک خود را مشغول بازی کردن و گفت و شنود با عروسک و یا اشیاء خارجی می‌بینند نه تنها کودک را منع نمی‌کنند، بلکه در جهت افزایش اعتماد به نفس آن کودک را یاری می‌کنند. چنین والدینی نمی‌خواهند فرزندان‌شان مثل آنها باشند؛ بلکه دوست دارند کودک همان فردی شود که باید باشد؛ چنین افرادی وقتی می‌بینند کودکان مشغول گفت‌وگو و بازی هستند حتی ظرف آبی را پر کرده و برای کودک و عروسکش آب می‌برند یا صدای تلویزیون را کم می‌کنند تا کودک با تمرکز حواس بیشتری با عروسکش حرف بزند یا اگر کودک به آنها گفت که بیائید و به حرف‌های من و عروسکم گوش کنید، آنها با حوصله و صبر می‌نشینند و به حرف‌های کودک و عروسک گوش می‌دهند.

● لزوم درک و فهم خلاقانه مادر و مربی

بزرگسالی که می‌بیند کودک در نقش مادر عروسک قرار می‌گیرد، اول به او غذا می‌دهد و یا لباس او را عوض می‌کند و تعلیم و تربیت عروسک را به عهده می‌گیرد، اگر مفهوم خلاقیت را نادرست فهمیده باشد، نخواهد فهمید که این رفتار کودک، خلاقانه، شاد و پر جنب و جوش می‌باشد. در نتیجه در رابطه با کودک پیشرفت



چندانی نخواهد داشت. یعنی قادر نیست خلاقیت کودک را بالا ببرد و پرورش دهد. همچنین زمانی که مادری از سوی کودک به میهمانی چای دعوت می‌شود و در آن میهمانی، ظروف و فنجان و قند و... همه نامرئی هستند و کودک وقتی چای می‌نوشد احساس می‌کند که چای داغ است ولی مادر هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد، چای را به سرعت می‌نوشد و سریع می‌خواهد این بازی را به پایان برساند و عروسک را در نوشیدن چای دعوت نمی‌کند در اصل خلاقیت کودک را محو کرده و نادیده گرفته است. والدین و مربیان می‌توانند در کنار کودکان و با استفاده از بازی‌های عروسکی، علاوه بر پرورش خلاقیت، نوآوری و نواندیشی کودکان، باعث رشد شخصیتی و تعادل روانی آنان گردیده و زندگی سالمی را به کودکان هدیه دهند.

■ در هیچ وضعیتی به بازی‌های کودکان بی‌توجه و بی‌میل نباشید و همیشه سعی کنید با دقت، بازی‌های عروسکی بچه‌ها را پی‌گیری کنید و نگذارید سایر اعضاء خانواده، امنیت بازی آنها را به هم بزنند.

■ هر اسمی که بچه‌های برای عروسک‌های خود انتخاب می‌کنند را محترم شمارید و سعی کنید آن اسم را یاد بگیرید و عروسک را به آن نام صدا بزنید. هیچ اصراری نباید روی نام‌گذاری عروسک داشته باشید. این کار باید کاملاً به‌عهده خود کودک باشد.

■ عروسک می‌تواند باعث کاهش خلاقیت منفی در کودک شود ولی این مهم در صورتی اتفاق می‌افتد که بزرگ‌ترها، بازی عروسکی کودکان را به‌حال خودشان رها کنند نه اینکه مرتب در کارهای بچه‌ها و عروسک‌ها دخالت کنند.

کودک در ارتباط با عروسک، در حقیقت میل خود به گروه و دیگران را تقویت می‌کند. وقتی که تعداد ۱۵ نفر از دخترهای جوانی که در کودکی یا عروسک بازی کمتری داشته‌اند و یا به‌علت گرایش‌های پسرانه از عروسک‌بازی محروم بوده‌اند، شناسائی شدند یک واقعیت قابل توجهی را از خود نشان دادند. واقعیت مذکور این بود که به‌علت محرومیت در ارتباط با عروسک، روابط اجتماعی آنان از نظر کمی و کیفی دچار آسیب شده است.

اولاً میل به انزوا در این افراد بیشتر از گروه‌های هم‌سن و هم‌جنس آنها بود که این شاهدهی بر کاهش میل اجتماعی آنان بود ثانیاً توجه و دقت به روابط اجتماعی آنان کمتر از گروه‌های هم‌سان خود بود. مثلاً اکثراً از این مسئله شکایت داشتند که ارتباط با دوستان به‌علت یک‌سری دلایل گنگ موجب قطع رابطه می‌شود. در حالی که دخترهای جوانی که در کودکی با عروسک خود ارتباط خوبی داشته‌اند، در بزرگسالی و جوانی از کفایت اجتماعی و روابط صمیمی و گرمی برخوردار هستند.

ذاتاً آدم بایستی مهربان باشد تا عروسک‌ها را دوست داشته باشد یعنی اینکه بعضی‌ها به عروسک علاقه‌مند هستند و این نشان می‌دهد که آدم‌های سالمی هستند.



● کاهش فعالیت‌های ضد اجتماعی در بازی‌های عروسکی:

کودک عروسکش را کتک می‌کند، موهای عروسک را می‌کشد، با عروسک قهر می‌کند، با صدای بلند سر عروسک داد می‌زند. این رفتارها اگر در ارتباط با عروسک منع شوند در جای دیگری به صورت واقعی بروز پیدا می‌کنند. پس کودک در ارتباط با عروسکش و با توجه به تخلیه هیجانات و واکنش‌های روحی، احتمال بروز رفتارهای ضد اجتماعی را کاهش می‌دهد.

ما باید در هنگام بازی عروسکی، همراه و در کنار کودکان خود باشیم، نه در مقابل آنها. ما بایستی حتی واکنش‌های نامطلوب آنان را در بازی‌های عروسکی با کنش خردمندانه و عاقلانه پاسخ دهیم.

در آخر، یاری رساندن بزرگ‌ترها و مربیان به کودک در برطرف ساختن اضطراب و دلهره وجودی، امری ضروری و لازم است و بدون کمک آنان، گذشتن از موقعیت‌های بحرانی روحی و اضطراب برانگیز برای کودک ناممکن می‌باشد.

منبع: نقش بازی‌های عروسکی در شخصیت کودکان ایرانی و ژاپنی

تألیف استاد عبدالرضا کردی / ماهنامه کودک



مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان، نهادی غیردولتی و ناسودبر است. این نهاد در سال ۱۳۷۹ از سوی پژوهشگرانی که در حوزه ادبیات کودکان فعال بودند، پایه گذاشته شد و اکنون با بیش از ده سال پیشینه از فعالیت های گسترده، در سطح ملی و بین المللی به کار خود ادامه می دهد.

دفتر این مؤسسه در تهران است و شیوه همکاری با این نهاد به دو شکل کار رسمی و داوطلبانه است. مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان هزینه های سازمانی خود را از راه کمک های مردمی و اجرای پروژه های فرهنگی و انتشاراتی به دست می آورد. چنانچه مؤسسه درآمدی داشته باشد، این درآمد را در راه گسترش هدف های خود هزینه می کند.

پیوندگاه:

koodaki.org	مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان	کودکی
iranak.org	ایران کودکی	ایرانک
ketabak.org	پنجره ای به جهان خواندن	کتابک
amoozak.org	آموزش خلاق کودک محور	آموزک
khanak.org	با من بخوان	خوانک
rootak.org	پایگاه ارتباط فرهنگی کودک و نوجوان	روتک
dabire.org	درست بیاموز، تا درست بنویسی	دبیره
koodakar.org	سندوق آموزش و توانمند سازی کودکان کار و محروم	کتاب هدهد
hodhod.com	گزیده ترین کتاب های کودک و نوجوان	